ف، هیرمند

۲۰۱۶/۱۲/۰۹

کرامت انسانی
ارزش بنیادی انسان

به حرمت گزاری انسان، به حرمت گزاری اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر

مستنطق با دندهٔ چوبی که در دست داشت، تهدیدکنان می غرید:« این دنده را می بینی، در ...ات... میکنم، اگر بازام در راه سم نه شدی اگر اقرار نه کردی به... مادرت ...، خواهرت را میاوریم که شهادت بدهد....» من چه احساس میکردم، حتی به خاطر آوردنش انسان بودنم را در عقب پردهٔ ذخیمی از تردید قرار می داد، حس زشتی بر من چیره میشد، چیزی از من گرفته می شود، ارزشی در من کشته می شود، من بی ارزش می شوم، این ها این آقایان که خود را مالک حیات و ممات من وانمود می نمایند، برمن تلقین میکنند که من این ارزش را از اول نداشتم، یا ارزشش را نه داشتم، ارزش انسان بودن را نداشتم، به من می قبولاندند که من کم ام، کمی دارم، در من خاطرات انسان بودنم را میکشتند، از حس های پاکم، از آدم بودنم از فرزند بودن مادرم، از برادر بودن خواهرم، برای من، آله های روانی از شکنجه درست میکردند، آنان در من انسان بودنم را حذف میکردند، تا وقتی در زیر کابوس زندهٔ شکنجه قرار نه گرفته بودم، نمی دانستم، شکنجه عملی است که انسانیت را در انسان باطل میکند؛ اول در وجدان شکنجه گر و بعد در روان و تفکر مفعول شکنجه، ولی هرگز در وجدان قربانی...
من زندانی سیاسی بودم، شکنجه هم شدم ولی درد اهانت ها و هتک حرمت ها بسیار سوزنده تر از عذاب شکنجهٔ فزیکی بود.
من یک دخترم، وقتی از بازار مقابل چهاراهی توره باز می گذرم، آن پسرهای کنار جاده با نگاه های شان مرا "شئ" میسازند و وقتی می گویند که :" سیلش کو چه "شیی" اس..." می بینم که من غلط حس نه کرده بودم، مگر من ارزش انسان بودن را نه دارم...؟ فقط یک "شئ" هستم...؟
من پیاده رو یک سرک هستم، وقتی آن قره قلی پوش کلاشنیکوف بدست، که در موتر لکسس اش نشسته و بالای من نعره می زند که: " او پدر ...، تیز تیر شو که اگه نی شارجوره د... ات خالی میکنم..." من فکر انسان بودن را در خود گم میکنم، تصور میکنم در وطن من حقارت، خصلت طبعی انسان های همچو من است...!!؟؟
من پیر سالخورده ای هستم که از دوران کودکی ام خاطره های عجیبی دارم، از مکتب که می باید لا اقل آدمیت را در آنجا می آموختیم؛ روزی در همان مکتب، اقبال کم اقبال از مکتب گریخته بود و سر معلم او را در سر فایل(همان جا که تمام شاگردان مکتب را جمع کرده و برای آنان دستور، حکم و یا خبری را ابلاغ میکنند) آورده و قبل از اجرای جزا روبه همه کرده میگفت که هرکسی مکتب گریزی کنه، به روز این آدم می افته و بعد او را قف(کف) پایی برداشتند، یعنی پا های او را با ریسمان بسته و دونفر در دو طرف اقبال بی اقبال استاده و ریسمان و پای های او را طور بلند گرفتند که کف پا ها به طرف آسمان باشد و بعد سر معلم با خِمچهٔ بادامی به کف پا های اقبال آنقدر چوب زد که پا های او خون و خون آلود شد، من چنان ترسیده بودم که دیگر مکتب بدم می آمد و قصه را به پدرم گفتم او مرا گفت که دیگر مکتب نرو و با من در دوکان، در ترمیم بایسکل کار را یاد بگیر. همان اقبال را روزی دیدم به من گفت که "خیرش باشه مه ای سر معلم ره یاد میتم که چطور دیگرا را "آدم" بسازه، مره خو "آدم" ساخته نتوانست..."
یادآوری این قصه ها به این جهت بود که مردم سر زمین من از روشنفکر متعهدش گرفته تا، دخترش، تا کودک مکتب رو اش، تا پیاد رو اش چگونه در چرخ انسان شکن استبداد، عقب ماندگی و مسخ فرهنگی اهانت شده اند، چه رنج های برده وچه عذاب های کشیده اند.
در قصه های ذکر شدهٔ بالا یک عنصر مشترک وجود دارد که در جریان تعذیب و تحقیر مورد حمله قرار داده می شود، و سعی بر درهم شکستن و خورد کردن آن میرود و فاعل فعل به تصور اینکه در قربانی فعلش انسانیت را از وی بگیرد و یا باطل کند، به ارتکاب آن اعمال مبادرت می ورزد، در اعمال فوق هدف نقض و سرکوبی "کرامت بشری" مفعول فعل مدنظر است. این "کرامت انسانی" چیست؟

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

مردم شریف و ستمدیدۀ وطن من شاید در زمرۀ آن مردم دنیا محسوب شود که کمتر کرامت انسانی اش حرمت گذاشته شده است، این بی حرمتی به کرامت انسان سر زمین من از قرون است که اعمال میشده است، حالا که فرصت دست داده است باید کرامت انسانی را به مردم ما شناساند تا آنان بدانند که آنان مثل سایر آدم های سیارۀ ما شریف اند، حیثت قابل احترامی دارند و جوهر و ذات انسانی در آنان در تجلی و درخشش است.
کرامت انسانی آن ارزشی است که هر انسان حائز آن می باشد، برای داشتن کرامت فقط کافیست انسان بود، انسان شریف است، ارجمند است، قابل تکریم است، احترام به کرامت انسان به مفهوم رعایت حیثیت، شرف و ذات خود انسان می باشد. ا
حقوقدانان به فلسفۀ وجود کرامت انسانی به خود انسان استناد میکنند استدلال شان این است که انسان بنابر قابلیت ها، استعداد، توانایی ها و کپسیته که دارد، هر توانایی انسان حقی را برایش ایجاد و تعریف و توصیف میکند، انسان موجود دارای تعقل، اراده، احساس و توانایی تولید بوده و تمدن ساز است، بنابران انسان موجود برتر از سایر موجودات قرار می گیرد، لذا داشتن این همه خصایل انسان را موجود دارای کرامت مطرح کرده و این کرامت به او حق آزادی عمل در حدود ارادۀ عمومی را فراهم می سازد. این کرامت در هیچ یک از قالب های نژادی، دینی، زبانی، منطقوی، طبقاتی، فرهنگی، جنسیتی و... غیابت نمی یابد، یعنی تمام انسان ها صرف نظر از نژاد، دین، زبان، منطقه، جنسیت و... دارای کرامت اند، دزد و رهزن و جنایت کار هم دارای کرامت شناخته می شود، یعنی صرف نظر از همۀ این ها انسان قابل تکریم است و کرامت انسانی در همه یک سان و برابر قابل احترام و رعایت می باشد. انسان محوران منبعۀ کرامت انسانی را خود انسان میدانند و اصل تساوی انسان ها را منوط به هیچ یک از تفاوت ها و تنوعات آدمی نمی پذیرند و تمام آدم ها را بدون قید و پیش شرطی دارای کرامت دانسته و برابر و متساوی الحقوق میدانند.
آنانی که به کرامت انسانی با فلسفۀ دین محوری نگاه میکنند می گویند که الله ج انسان را با کرامت آفریده و خود ذات الهی در قران کریم فرموده که ما انسان را عصارۀ هستی آفریدیم، و حقیقت وجود، و انسان را شاهد و واسطۀ خود، و خلیفه در زمین معرفی می کند، حتی خیلی فراتر از این به فرشتگان میگوید؛ من موجودی می آفرینم که حصه ای از روح خود را در آن می دمانم و شما باید به او سجده کنید، یعنی خداوند انسان را از روح خود می آفریند. به این صورت است که دین محوران استدلال گیرا و جذابی از کرامت انسانی به استناد قران شریف ارائه می دهند و به همین جهت بوده که اعلامیۀ حقوق بشر اسلامی صادره ۱۹۹۱ قاهره خود را با همین استدلال معتبرمی سازد.
ارزش کرامت انسانی نهاد و ریشۀ چند اصل دیگر حقوق بشر تشخیص شده است .مانند:
اول - حق حیات تعرض به حق حیات نه صرف سلب و قطع زندگی است بلکه تجاوز به کرامت هم شمرده می شود.
دوم - اصل منع شکنجه، اذیت و آزار، رفتار های غیر انسانی و موهن یا اهانت آمیز؛ به همین جهت است که توهین، دشنام، تحقیر، ارسال الفاظ نامناسب و به دور از شأن انسان خلاف کرامت انسانی شناخته شده است.
سوم - بردگی و کسی را به غلامی و بردگی کشیدن خلاف کرامت انسانی و شأن انسان معرفی کرده اند.
"کرامت" اصطلاح پیچیده ای در علوم اجتماعی است که در فلسفه، دین و حقوق، مباحث جدی و عمیقی در بارۀ آن به عمل آمده است، در علوم اجتماعی کرامت عبارت از«تکریم نمودن است؛ توجه، دقت و رعایت کردن را افاده میکند، طوری که باعث حضور و برجسته شدن چیزی و یا شخصی گردد...»
گرچه در معنی لغوی کرامت به مفهوم بزرگی، ارجمندی، صفات نیک پاک بودن، شرف و کمال آمده است.
امانول کانت کرامت انسانی را چنین تعریف میکند:«کرامت انسانی اصلی است، که مبتنی بر آن یک شخصیت انسانی هیچگاهی نباید به حیث یک شی و یا وسیله شناخته شود مگر به حیث جوهر ذاتی انسان بودنش...»
کرامت انسانی برای تمام انسان ها یک سان و برابر قبول شده و انسانی نمی تواند فاقد کرامت باشد و نیز ممکن نیست آدمی حائز کرامت بیشتر و یا کمتر دانسته شود.
از نظر پول ریکور:«کرامت انسانی ارزشی است که تنها"انسان بودن" واجد آن است، وجود کرامت انسانی، حضور انسان را می رساند...» انسان ها بدون هیچ شرط و قیدی حائز حق ارجمندی، حرمت و احترام می باشند، تفاوت های مانند تفاوت های دینی و مذهبی، سن، جنسیت، صحت جسمانی و روانی، باعث تغییر و غیابت کرامت انسانی نمی گردد.
مورد دیگری که امروز در علوم حقوقی و طبی مطرح شده است نقش کرامت انسانی در حوزۀ اخلاق زیستی «bioéthique» می باشد که طور مثال آیا "مرگ شیرین" یا "اوتانازی" (مریضی که لاعلاج است و به شدت درد میکشد و خود می خواهد به زندگی پُر دردش خاتمه داده شود و یا مریضی که به ذریعۀ وسایل طبی طوری زنده است

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

که رابطهٔ عقلی و احساسی با دنیا و زندگی ندارد و بدون وسایل نامبرده، همان زنده بودن بیولوژیکی خود را از دست میدهد، آیا مرگ شیرین که به وسیلهٔ طب برایش در نظر خواهد بود) از نگاه حقوقی مغایر کرامت بشری نیست...؟؟
و یا "شبیه سازی انسان" که انسان ها به کمک علم به میل خود شان دختر و یا پسر تولید!! .یا تولد نمایند چقدر می تواند، ارزش کرامت انسانی را نقض کند...؟ مسایلی اند که در کناره های حقوقی این قضایا از نگاه حراست از کرامت انسانی مطرح میگردند.
دیده می شود که گسترهٔ کرامت انسانی خیلی وسیع است، به همین سبب بوده که در مقدمهٔ منشور سازمان ملل متحد(۱۲ اپریل ۱۹۴۵ م) درج شده است که: «با ایمان به حقوق اساسی انسان، کرامت او و ارزش شخصیت انسانی...» تأکید ورزیده می شود.
اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر هم در مقدمهٔ خود و هم در مادهٔ اول از کرامت انسانی با کلمهٔ " حیثیت ذاتی و حیثیت" به این شرح نام برده است:«از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانوادهٔ بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل میدهد.»
و در مادهٔ اول همان اعلامیه می خوانیم که:«تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابر اند...» به این ارزش اساسی توجه داشته است.
به همین صورت میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در مقدمهٔ خود بازهم به کرامت بشری با اصطلاح "حیثیت ذاتی" به این شرح تأکید می نماید: «...با اذعان به این که حقوق مذکور ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است...» ارزش کرامت انسانی را در محور تمامی حقوق انسانی قرارداده است.
میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز با عین جمله، کرامت انسانی را با لغت "حیثیت ذاتی" شخص انسان، اصل مرکزی تمام حقوق بشری تعیین نموده است.
قانون اساسی افغانستان حق کرامت انسانی را به صورت خیلی برجسته به کررات درج کرده است گویا مسوده کنندگان قانون اساسی به این حقیقت تلخ آگاهی داشته اند که در این قطعهٔ جغرافیایی به انسان هایش کمتر حرمت گذاشته شده است، پس در مقدمهٔ قانون اساسی تصریح کرده اند که :«حفظ کرامت و حقوق انسانی در جامعهٔ افغانستان از اهداف تدوین این قانون اساسی دانسته شده است.»
همچنان مادهٔ ۲۴ قانون اساسی مشعر است که دولت برحمایت از آزادی و کرامت انسان مکلف می باشد و در ماده ۲۹ خود، جزا های مخالف کرامت بشری را ممنوع اعلام نموده است.
هتک حرمت که به عمل تعرض به کرامت انسانی اطلاق می شود به انسان منع شده است حتی آنانی که مرتکب جرم می شوند نه تنها مجازات مناقض کرامت بشری بر آنها ممنوع است بلکه هتک حرمت آنها در جریان رسیدگی جزایی و در زندان ممنوع اعلام گردیده است.
تجاوز، تعرض و هتک حرمت به کرامت انسانی روح انسان را زجر می دهد، جایگاه والای انسان را منقرض میکند، انسان را تا سطح یک وسیله و شئ سقوط می دهد، روابط انسانی و اجتماعی را فاقد ارزش های معنوی و اخلاقی می سازد، مزرعهٔ فساد و زشتی ها را توسعه داده و حضور بی مروتی و زشتی را مجاز تلقی میکند، شخصیت و وقار انسانیت را به مخاطره می اندازد. روابط اجتماعی که در آن کرامت انسانی نادیده گرفته شود، روابط فاقد عنصر انسانی خواهد بود، اجتماعی که در آن کرامت انسانی باطل شود آن اجتماعی منحط می گردد، جامعهٔ بی باور به کرامت انسانی به سقوط کامل انسانیت منتهی خواهد شد، آدم هایش خویش را بی ارزش و بی مقدار احساس خواهند کرد و این طرز تلقی مدهش و خطرناک را به تمام اعضای جامعه سرایت خواهند داد و چنین طرز تلقی نظام انسانی را عاری از کرامتش وانمود خواهند نمود و این برای یک جامعه چه که برای تمام نظام جامعهٔ بشری مخاطره آمیز خواهد بود، دیدیم اجتماعاتی را که به کرامت انسانی عقیده نکردند و به چه فجایعی گیر افتادند...
جو خشونت بار کنونی مسلط بر کشور ما و مسلط بر برخی از جامعه گک های کوچک افغانی در این و یا آن گوشهٔ دنیا زمینه و فرصت های را ایجاد کرده است که عده ای از ما افغان ها با استفاده از وسایل ارتباط جمعی، شبکه های اجتماعی و رسانه ها، در ابراز کینه و بغض تا حدی پیش میرویم که حتی به کرامت انسانی همدیگر متعرض می شویم و به هتک حرمت خویش مبادرت میورزیم و یکدیگر را به گونه های مختلف مورد تحقیر و اهانت قرار میدهیم و در این مسیر نامناسب حتی نسل های بعدی و اولاد خویش را نیز آغشته می نمائیم، این طرز ارتباط اجتماعی توأم با نقض کرامت انسانی دیگران، جایگاه و ارزش کرامت انسانی را در فرهنگ شخص متعرض نیز مختل و مغشوش خواهد ساخت، انسانی که باور خود را نسبت به کرامت انسانی از دست بدهد، به انسان بودن خود نیز مشکوک خواهد گردید، "شخصیت کُشی" بعضاً معنی پنهان هتک حرمت کردن به دیگران را میرساند، شخصیتی کشته نمی شود،

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

مگر به برجستگی ها، شگفتی ها و علم و کمال وشهرت او لطمه زده می شود و این اقدام بعضاً با حربهٔ هتک حرمت و تعرض و اهانت به کرامت انسانی قربانی تأمین خواهد شد.
وطن ما از قرن ها به این سو بعضاً محل نقض و بی حرمتی کرامت انسانی مردم ما بوده است، مردم شریف و مظلوم ما، که در هر زمینه ای برابر و همانند مردمان نیک و شریف سایر نقاط جهان اند، شرافت، حیثیت ذاتی، وقار انسانی و ارجمند بودن شان هرگز و هرگز نه باید با یک مکثی و یا حتی برای لحظه ای فراموش گردد، مردم ما مظهر وسمبول کرامت انسانی هریک ما هاست. روح انسانیت را که کرامت انسانی است در میان مردم سراسر دنیا و مردم شریف وطن ما باید تازه و برجسته نگه داشت.

پایان

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ